

اوکراین: پیروزی خشونت پر هیزی



admin | فروردین ۱۶ ۱۳۹۳ | 0 Comments

کتاب خانه

Like 10

Tweet

* نوشته: پیتر اکرم، جک دوال، و ماسیژبارتکوسچی

ترجمه مهری حقانی

مرکز مطالعات بی خشونت

.....

خشونت و تندروی چیزی نبود که مردم اوکراین را قادر به سرنگونی تاج و تخت یک رهبر تمامیت گرا کرد. این مقاومت مندی بود که در اعتبار یک حکومت فاسد و سرکوبگر شکاف وارد کرد. مردم با جنبشی خشونت پر هیزی، وفاداری مدافعان حکومت به اقتدار ویکتور یاکونویچ و نیز ظرفیت ادامه قدرت او را زیر سوال بردند.

.....

صبحگاه ۲۵ فوریه ۲۰۱۴ این خبر بر روی صفحه رویترز رفت "یک جوان ۲۶ ساله که از ظواهرش آشکار بود سرباز مشق نظام ارتش است همان کسی است که برفرق ویکتوریونوکویچ چنان ضربتی زد که او را وادار به فرار از کشور کرد." جوان در حالی که میکروفنش را دریک راهپیمایی در کیو بدست گرفته بود برسر سیاستمداران اوکراینی فریاد می زد " شما کسانی هستید که باامضای توافقنامه با یاکونویچ در اصل با یک قاتل همدستی می کنید" و ادامه داد: "یاکونویچ! باید تا فردا ساعت ۱۰ ازینجا گورت را گم کنی!" اولتیماتومی که بوی تهدید مرگ را می داد

رسانه های خبری طبق معمول صحنه تاپرهای آتش گرفته و سپرهای پلیس را گزارش می کردند. خشونت اگر حکم آبنبات لیزی تمام نشدنی برای شبکه های تلویزیونی را داشت، اما برای تاریخ ۸۸ روزه تلاشی که اوکراین را باردیگر در جاده اصلی دموکراسی می انداخت خشونت از همان ابتدا به حاشیه رانده شده بود. درست از آغاز اعتراضات در کیو از ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ تا روزی که یونوکویچ در ۲۱ فوریه ۲۰۱۴ از پایتخت گریخت، مردم اوکراین از تاکتیک خدشه ناپذیری استفاده کردند که حکومت را به زانو در آورد: سلاح خشونت پر هیزی

امیدان

سه روز پس از آنکه دولت اعلام کرد امضای قرارداد تجاری با اتحادیه اروپا به حالت تعلیق در آمده است صد هزار اوکراینی در سراسر کیو در حالیکه پرچم های اتحادیه اروپا را در دست داشتند به سوی میدان اصلی شهر "میدان" سرازیر شدند

میدان به عنوان مظهر اعتراض توقف ناپذیر مردم اوکراین هرروز پذیرای هزاران کمپ و صدها هزار نفر شهروندی بود که ایستاده و نشسته به تظاهرات

اصلی به ویژه در پایان هر هفته می پیوستند. مردم این شهر طی ۳ ماه پایداری توانستند در هوای سرد زمستانی اوکراین دست به ابتکاری خودبرانگیخته خودآگاه بزنند. میدان به منزله یک دانشگاه میدانی عمل می کرد که برای آگاهی رسانی مردم صدها مقاله و بحث آزاد را در تمام این مدت ارائه می داد. شدند که در این برنامه به مردم و فعالان مدنی مشاوره مالی و حقوقی ارائه می شد. بسیاری از مردم euromaidan SOS و کلا پیشگام اجرای برنامه پول غذا لباس پتو و چادر اهدا می کردند. همچنین کمک های اولیه پزشکی - که برخی با پشتیبانی بیمارستان های محلی انجام می شد- و همچنین آشپزخانه های سیار که صدها داوطلب دورآورد میدان آنها را اداره می کردند.

اغلب موسیقی در میدان شنیده می شد. یکی از ترانه ها؛ خداحافظ ویکتور؛ نام داشت که اشاره مستقیمی به ویکتور یا کونوکویچ بود. ترانه ای که با پخش آن در یوتیوب یک میلیون نفر به آن گوش دادند. در کیو صدها نفر ایستاده اند؛ یک آهنگ ملی بود که به تداوم در کیو خوانده می شد. معترضان با پیشانی بند هایی که روی آن نوشته شده بود: آیا می خواهید به ما ضربه شست نشان دهید؟ در خیابان ها حرکت می کردند. نوشته آنها اشاره به خشونت های اخیر پلیس داشت که موجب مرگ چندین تن از فعالان مدنی در ماه ژانویه شده بود.

میدان حالا یک نماد بود اما انعکاس آن از اقصا نقاط کشور هم شنیده می شد. تا پایان ژانویه اعتراضات در چند شهر شرقی کشور نیز تداوم پیدا کرد. موج این حرکت خشونت پرهیز دانش آموزان روشنفکران متخصصان طبقه کارگری بی دین ها و کاتولیک ها مسیحیان ارتدوکس و یهودیان را نیز در بر گرفت

.....

در شهر جنوبی اودیسه -جایی که به عنوان شهر مورد اتکای یاکونویچ قلمداد می شد- تعدادی از هزاران تظاهرکننده پرچم اوکراین را که حدود نیم - کیلومتر بود حمل می کردند.

بنابر گزارش بی بی سی در شمال شرقی شهر سامی مردم شهرداری شهر را اشغال کردند و یک نماینده پارلمان وابسته به حزب سرزمین پدری رهبری - آنان را به عهده داشت.

تجمع سقوط لنین که نماد پایان دولت های منقضی شده است تمام کشور را در بر گرفته بود -

.....

هرچه دامنه تنش گسترده تر می شد جنبش مردمی جنبه مهمتری در زندگی روزانه مردم و در کانون تلاش مخالفین در برابر رییس جمهوری پیدا کرد که به وضوح اعتماد عمومی را از دست داده بود. از سویی به همان نسبت که بر دایره سرکوبها افزوده می شد مخالفین حکومت نیز بر دایره تاکتیک های خود می افزودند. تحریم محصولات و تولیدات یکی از این تاکتیک های جدید بود. این تحریم ها حوزه کارخانه هایی را در بر می گرفت که صاحبان آنها همکاری های اقتصادی نزدیکی با حامیان و نیروهای نزدیک یاکونویچ یا اعضای پارلمان وابسته به حزب حامی رییس جمهور داشتند. برنامه ریزان این تاکتیک جدید بیش از ۲۰۰ تاجر و فعال اقتصادی را در سرتاسر اوکراین هدف گرفتند دامنه فعالیت آنها شامل بانک ها رستوران ها هتلها فروشگاههای زنجیره ای معاملات اتومبیل رسانه های دیجیتال یا چاپی مشروبات الکلی و تولیدات لبنی بودند. برخی از این کارخانجات محصولات خود را بدون نام و برند خود بسته بندی کردند تا بدین صورت خریداران را دور بزنند. صفحه گروه تحریم در فیس بوک تنها ۵۷ هزار عضو داشت.

موضوع اصلی که در ابتدا خشم مردم را برانگیخته بود یعنی عدم همکاری یاکونویچ با اروپا بزودی در حاشیه مبارزات قرار گرفت. چیزی که الان در درجه اهمیت قرار گرفته بود رقابت بین شرق و غرب کشور بر سر موضوعات داخلی نبود بلکه مساله مهم این بود که آیا اوکراین یک جامعه آزاد و پیشرونده خواهد بود یا یک بیمار معذب در زیر سیطره متنفذین خود محور می خواهد باقی بماند؟ هدف اصلی معترضان برای فشار آوردن به یاکونویچ برای امضای توافق تجاری با اروپا در این واقعیت گنجد می شد که آنها نمی خواستند کشور در آینده در دام رکود و خفقان این شیوه حکومتداری گرفتار شود. برای جنبش های توده ای پرهیز از خشونت غیر عادی نیست که مردم را نسبت به شناسایی و بازخوانی هویت خود حساس کنند و چنین چیزی در این زمستان در اوکراین اتفاق افتاد.

خفقان و سرخوردگی

در صبحگاه ۳۰ نوامبر نیروهای پلیس مجهز به باتوم و با گاز اشک آور میدان را از مردم خالی کردند مردم خشمگین ازین حد خشونت به خیابانها ریختند و خواهان استعفا یوکونویچ شدند. این واکنش موجب شد تا حکومت پی ببرد که با استفاده از خشونت تنها به سرعت جنبش مردمی می افزاید. مردم عادی کوچک و خیابان به شدت از این نکته که در برابر رفتار عاری از خشونت خود مورد ضرب و جرح پلیس قرار گرفته اند خشمگین بودند. خشونت دولتی به خودی خود نامتناسب با تاکتیک خشونت پرهیز مردم بود که در خیابان ها به نمایش گذاشته بودند.

نیض اصلی گسترش جنبش هنگامی آشکارتر شد که در ۱۴ دسامبر دو گروه بزرگ مردم تمام میدان های عمومی در فاصله نیم مایلی کیو را به اشغال درآوردند. یکی از این تجمع ها مربوط به تجمع نمایندگان ضد دولتی بود که ماه پیش پا گرفته بود و دیگری راهپیمایی متعلق به هواداران رییس جمهور در تله افتاده کشور بود با این تفاوت که یکی از این تظاهرات در اصل یک جنبش بود اما دیگری نه.

در ۱۶ ژانویه حکومت قبر خود را گودتر کرد. پارلمان اوکراین قانون ضد برپایی تجمعاتی صادر کرد که به موجب آن هر آنکس در برپایی چادر سکوی سخنرانی یا استفاده از بلندگو دست داشته باشد به سختی جریمه خواهد شد. تنها سه روز بعد بود که با اوج گرفتن درگیری بین پلیس و معترضان نخستین کوکتل مولوتف پرتاب شد و موجب آتش گرفتن ماشین پلیس شد. عاملان اصلی این حرکت فعالان جوان تندرو وابسته به طیف راست بودند. سه روز بعد مرگ اولین معترض خیابانی رخ داد که با شلیک گلوله کشته شد. پارلمان اوکراین ناخشنود از آنچه اتفاق می افتاد خواهان اجرای مصمم تر قانون ضد تجمعات شد و یاکونویچ نخست وزیر را برکنار کرد. ولی تنها سه روز بعد یکی از رهبران مخالفین دولت به گروگان گرفته شد و شکنجه شد. خشونت به خودی خود از سوی هر دو گروه نشات گرفته بود.

درست وقتی که استفاده از خشونت موجب کاهش مشارکت مخالفان دولت شده بود - روشی که برای دفع تلاش های خشونت پرهیز استفاده می شود- اما هنوز رژیم یاکونویچ نشانه های اضمحلال خود را نشان می داد. نیروهای امنیتی مسلح به آخرین تجهیزات در برابر فعالان شاخه های تندرو مخالفان که به سلاح های ابتدایی مجهز بودند با قدرت تمام صف کشیده بودند. در اصل اغلب معترضان رژیم که در درگیری های اوکراین کشته شدند یا مورد ضرب و جرح قرار گرفتند مجهز به سلاح مرگبار نبودند. تعداد مجروحان در میان افراد وابسته به جنبش مردمی دهها برابر تعداد مجروحان پلیس بود. در رسانه های جمعی ویدیو های شهروندان به وضوح آثار سوراخهای ناشی از گلوله های شلیک شده را در بدن کشته شدگان مردمی نشان می داد. اعتراض عمومی نسبت به شلیک به سوی معترضان غیر مسلح با هر حادثه شدت می گرفت.

در میان این جهنم گرایش به تداوم خشونت پرهیزی با وضوح بیشتری قابل ترسیم بود. در ۲۰ و ۲۱ فوریه مردم با راه بندان یک قطار حامل ۵۰۰ نیروی امنیتی - که عازم کیو بود- موجب تخلیه اجباری قطار شدند. نیروهای امنیتی عاجز از رسیدن به مقصد مجبور به بازگشت به پست های اولیه خود شدند. مردم در دیگر شهرهای اوکراین راههای اتوبان ها را بند می آوردند و در راه اتوبوس های حامل دستمز دبگیران نظامی رژیم (لباس شخصی ها) - تیتوشکی- اختلال ایجاد می کردند به شکلی که صدها اتوبوس هیچگاه به کیو نرسیدند. بعضی رانندگان تاکسی مشغول جابجایی بخشی از همین نیروها شدند که حالا در صدد رسیدن به مرکز میدان و پیوستن به مردم بودند. شهروندان در محله ها دیده بانهای خودی را بکار گرفتند تا حرکت سربازان را کنترل و خنثی کنند.

در حالیکه بوی باروت هرچه بیشتر در شهر احساس می شد معترضان هرچند در چالش سخت محاصره و اشغال ساختمان های دولتی در کیو و مناطق دیگر قرار گرفتند اما تمام این فعالیت ها عاری از خشونت بود. این تاکتیک آنها از آنجا که بدون اعمال خشونت و با حصار بندی دقیق انجام می شد کار حکومت را برای بازپس گیری ساختمان ها سخت می کرد. در همین حال اشغال ساختمان های دولتی بوسیله فعالان مدنی پیام قدرتمند دیگری را هم مخابره می کرد: کنترل از دست حکومت خارج شده بود. گاهی عریانی واقعیت موجود همه تصورات قبلی را بهم می ریزد.

اتومیدان یا جنبش اتومبیل های اوکراین که ۱۰۰۰ اتومبیل را شامل می شد به حمل و نقل عمومی برای جلوگیری از گسترش خشونت و خنثی کردن فعالیت های رادیکال می پرداخت. اتومبیل ها با کنترل نیروهای امنیتی در میدان و سربازان حکومتی به منزله چشم و گوش میدان عمل می کردند. بارها اتفاق افتاده بود که با بند آوردن ورودی های میدان مانع پیشروی نیروهای امنیت داخلی شوند. بند آوردن خیابان ها و در نهایت بند آوردن محل سکونت رییس جمهور در مژایریا در اطراف کیو رییس جمهور را به شدت خشمگین کرد. در ابعاد دیگری محافظت از بیمارستان ها بی وجود داشت که فعالان زخمی در درگیری ها با پلیس و نیروهای دولتی برای مداوا آورده می شدند. همچنین مردم به دیده بانی در پایتخت و دیگر شهرها می پرداختند تا دامنه عمل خبررسان های دولتی -تیتوشکا- را کنترل کنند و در نهایت آنها را دستگیر و به میدان می آوردند و در میان عموم مورد مواخذه قرار می دادند تا اینکه در نهایت با

شرمندگی آزاد می شدند البته به شرط آنکه به خانه هایشان رفته و دیگر هیچگاه بازنگردند.

این تاکتیک های بی خشونت به شکل بازدارنده ای عمل می کرد چنانچه رژیم در برابر اتو میدان عاجز ماند. اتو میدان همان رانندگانی بودند که تاکسی هایشان پیش از این توسط پلیس متوقف می شدند ماشینهایشان می سوخت یا به غارت می رفت.

شاخه های رادیکال و بازدارندگی آنها

اگر اعمال خشونت توسط رژیم و نیروهای تیتوشکا برعکس عمل می کرد و حکومت را به عقب می راند خشونت توسط نیروهای رادیکال و مسلح مخالف رژیم پدید می آمد که در مقاومت مننی بعنوان شاخه های رادیکال از آن یاد می شود- نه تنها موقوف به اثر نبود بلکه در اصل جنبش مننی را خدشه دار می کرد.

اگرچه یک شاخه کوچک از نیروهای رادیکال با نمایندگی گروه های دفاع شخصی و همچنین دسته های راستی-راستگرا- استراتژی خود را در برخی نقاط برای دفاع از میدان اعمال کردند اما این گروهها لزوما در برابر تهدیدات رژیم موثر نبودند. برای مثال تظاهرات موسوم به ورخوانا رادا در ۱۸ فوریه که با هدایت عوامل رادیکال ضد دولت انجام شد از سوی جنبش مردمی به عنوان یک اشتباه استراتژیک تلقی شد که موجب آسیب پذیری میدان در برابر حملات پلیس شد.

وقتی رژیم در نیمه دوم ژانویه موافقت خود مبنی بر گفتگو با نیروهای آنسوی سنگرها را اعلام کرد این مساله بعنوان پیروزی رادیکال ها از سوی برخی فعالان مردمی تلقی شد. اما هم اکنون مشخص شده است که یاکونویچ از این حربه نه برای گفتگوی روراست بلکه برای ایجاد آمادگی و خریدن زمان برای ادامه خشونت های بعدی در ماه فوریه استفاده می کرده است.

حیرت آور بود که تعبیر مردم از لحظات قهرمانی رادیکال ها در میدان عملکرد خود کنترلی آنها بود و نه خشونت آنها. رادیکال ها در میدان نظم مشخصی را اعمال می کردند بویژه نیروهای دفاع شخصی که وظیفه مراقبت از پلیس و سربازان دستگیر شده را داشتند. دستگیرشدگان و ادار به شرمندگی در میان عموم می شدند ولی در نهایت امنیت آنها تامین می شد.

به عکس، در برخی لحظات حساس درگیری ها در کیو حتا رهبر دست راستی ها دیمیترو یاروش نتوانست به خوبی عمل کند. او بیانیه ای را در ۹ فوریه صادر کرد که خواستار واکنش میهمی در برابر رژیم شد. نتیجه آن شد که تعهد قبلی رژیم مبنی بر آزادی زندانیان سیاسی و تخفیف حکم های آنان کاملا از دست رفت. این به معنای پایان آتش بس غیررسمی بین دولت و نیروهای مخالف بود که از پایان فوریه اجرا شده بود. در بیانیه یاروش بنظر می رسید که صادر کننده با سرخوردگی تمام خواستار مسلح شدن یا خشونت فیزیکی است در حالی که بالاترین واکنش رادیکال ها خلاصه به تسخیر ساختمان های دولتی شد.

بیشترین تناقض در مورد خشونت های اوکراین مربوط به رفتارهای غارتگرانه نبود بلکه به پوشش رسانه ای فوق تصور پلیس از رفتارهای آنها مربوط می شد. این پوشش رسانه ای مربوط به جنگها و درگیری های اتفاقی خیابانی بود که تعبیر به استراتژی نبردهای میدانی می شد چیزی که مسیبان درگیری ها واقعا در صدد ایجاد آن نبودند. در ۲۴ ژانویه فاکس نیوز بی وقفه مخابره می کرد که ؛ گلوله های آتش آسمان شب را در مرکز کیو روشن کرده اند و دود غلیظ تایلر اتومبیل ها از طرف سنگرهای معترضان تمام آسمان شهر را دربر گرفته است... درگیری از محل سنگرهای مخالفان آغاز شده است که تنها چندین متر با پلیس ضد شورش فاصله دارند... تظاهرکنندگان خشمگین بمب های کوچک دستی خوشه های آتش و نارنجک به سمت پلیس پرتاب می کنند؛ همه این وقایع اتفاق می افتاد اما هیچ یک از آنها تعیین کننده نتیجه درگیری نبود.

در بیشتر موارد تاثیرگذاری رادیکالهای خشونت گرا در اوکراین کمتر از تاثیر شاخه های نظامی دیگر جنبش ها مانند کنگره ملی آفریقا در مبارزات دهه ۱۹۸۰ بر علیه نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی بود. اما در آن بخش از درگیری ها مانند چیزی که در اوکراین رخ داد شاخه رادیکال مبارزات از نشانه سازی خشونت ها استفاده می کرد (اصطلاحی که بوسیله هاوارد بارل عضو این جنبش استفاده شد) چیزی که بیشتر به معنای تقویت اعتماد و افزایش حس قهرمانی رادیکال ها بود تا آنکه به معنای برنامه یا درگیری نظامی جدی تلقی شود.

سرانجام آنچه موجب زخم خوردگی سیاسی یاکونویچ شد نه درگیری های فیزیکی رادیکالها و پرتاب کوکتل مولوتف بلکه ۸۸ روز تلاش بی وقفه ولی محتاطانه جنبش مدنی بود که موجب به در شدن رژیم از دایره کنترل شد. هرگاه دولت بر دامنه فشارها ی خود افزود جنبش مردمی موجب به عقب راندن فشارهای رژیم شد. با گسترده شدن دایره نفوذ جنبش مردمی رژیم اعتبار قانونی خود را از دست داد و در نهایت ناکارایی نیروهای تحت عمل رژیم و حامیان آن را رو کرد. این نتیجه نه به خاطر خشونت های موردی برخی معترضان رخ داد بلکه حاصل روش جنبش مردمی بود که رژیم را از نمایش عدم درایت و درستکاری مردم ناتوان کرد.

ریزش نیروها در حکومت

خروج ها از دستگاه یاکونویچ شامل شاخه های دیپلماتیک پلیس و حزب حاکم پس از آن آغاز شد که در ۳۰ نوامبر رژیم واکنش وحشیانه ای در برابر تظاهرات صلح آمیز دانشجویان داشت. بعد از این حمله رییس دفتر یاکونویچ فوراً استعفا ی خود را نوشت. استعفا یی که پذیرفته نشد - اوبار دیگر بعد از امضای قانون ضد تجمعات مردمی توسط رییسش در ۱۷ ژانویه استعفا داد تعدادی از شهرداران و استانداران در سرتاسر اوکراین نیز با داوطلبانه استعفا دادند یا توسط مردم وادرا به استعفا شدند.

معترضان مدام از نیروهای امنیتی محلی و ارتش می خواستند تا پیوستن خود به مردم را اعلام کنند. در ماه دسامبر بازنشستگان اداری برکوت و دیگر اعضای آن از همکاران خود خواستند تا بنابر قانون رفتار کنند و در برابر تظاهرات کنندگان از خشونت استفاده نکنند. بعضی از پلیس های برکوت مشخصاً در ناحیه غربی اوکراین دستورات افراد مافوق خود در وزارت کشور را اجرا نمی کردند. بسیاری دیگر در کیو با حمل علامت هایی در خیابان های کیو ظاهر شدند که اعلام می کرد یاکونویچ زمان درازی در قدرت نخواهد بود. درموردی که در بین مردم نقل می شد جوانی که در برکوت خدمت می کرد کار خود را ترک کرد زیرا به گفته خود نمی خواست به پدرش که در میدان به سر می برد شلیک کند. تجار محلی از پرداخت مالیات به دولت سرباز می زدند زیرا معتقد بودند نباید پولشان برای پرداخت حقوق پلیس و سربازانی که مردم را زیر فشار قرارداده بودند صرف شود. حتا دو تاجر در حزب ریجنز دنپروپتروسک استعفا دادند و اجازه دادند تا خبر استعفا ی آنها بدون هیچ سانسوری از شبکه های محلی پخش شود.

در روزهای پایانی حضور یاکونویچ در قدرت تنها ۳۶ نفر - تعدادی که بعداً به ۷۰ نفر افزایش یافت - از اعضا حزب حاکم وابسته به اوتصمیم به خروج از حزب و پیوستن به مخالفان پارلمانی در ورخونا رادا گرفتند. عزم آنها بر این بود که به قانونی رای بدهند که به نیروهای امنیتی امر می کرد تا از خیابانهای کیو خارج شوند و به پادگانهایشان برگردند. یاکونویچ بیشتر از این نمی توانست به اکثریت نافرمان حاضر در پارلمان اتکا کند. در همین حال سرسپرده اصلی یاکونویچ وینالی زاخارچنکو وزیر کشور به بلاروس گریخت و به مسول امور بانکی شخصی یاکونویچ یعنی سرچی کورچنو پیوست.

موج این افتراق های حکومتی با یک خروج اصلی دیگر شدت گرفت و آن دامنه خروج ها از ارتش اوکراین بود. در طول سه ماه پایداری مدنی در اوکراین یاکونویچ به شکل ناامید کننده ای تقلا کرده بود تا وفاداری ارتش به خود را ثابت کند. گزارش ها حاکی است او از افسران ارتش می خواست تا سوگند وفاداری خود به یاکونویچ را امضا کنند و هر آن کس از این دستور سرباز می زد تیرباران یا وادار به استعفا می شد اما در نهایت سوگند وفاداری بر روی کاغذ هیچ ارزشی نداشت.

با نافرمانبرداری ژنرال ها از یاکونویچ بطور مثال او فرمانده کل قوا را در ۱۹ فوریه از کار برکنار کرد و یک ژنرال نیروی دریایی را که گمان وفاداری به او داشت را جایگزین کرد. در ۲۰ فوریه فرمانده جدید دستور فوری تغییر و اعزام فوری چهار افسر عالی رتبه نیروی دریایی و هوایی به کیو را داد که حدود ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ نیرو تحت امر آنها بودند. در همان روزی که این دستور صادر شد معاون فرمانده کل قوا در اعتراض به تلاش رژیم برای استفاده از ارتش در درگیری های داخلی استعفا داد.

دست آخر اینکه تنها یک واحد ۵۰۰ نفری از نیروهای ارتش از مقرشان در دنپروپتروسک با قطار حرکت کردند که همانها هم در میانه راه توسط فعالان مدنی متوقف شدند. همچنین جاده های دیگر نیز بسته شد تا هرگونه تلاش برای روانه کردن نیروها با اتوبوس هم خنثی شود. در نتیجه بقیه واحدهای ارتش ناچار به ماندن در مقرهایشان شدند. زمانی که در ۲۰ فوریه پارلمان قانون خروج نیروهای امنیتی داخلی از کیو را تصویب کرد روسای ارتش از این قانون برای عدم ارسال نیروهایشان به کیو استفاده کردند. به خوبی آشکار بود که یاکونویچ تمام اعتبار و نیرویش را برای مهار جنبش از دست داده است.

سرنگونی

بین ۱۸ و ۲۰ فوریه بیش از ۱۰۰ معترض در میدان در کیو کشته شدند. با سرازیر شدن نیروهای امنیتی داخلی و پلیس برکوت در ۱۹ فوریه پایتخت را یکپارچه بحران و خفقان در بر گرفت و دولت نیز دستور عملیات سراسری ضد تروریست بر علیه معترضان را صادر کرد. با این حال روز بعد حکومت با ریزش نجومی نیروهای تحت امر دچار فروریزی شد و شامگاه ۲۱ فوریه یاکونویچ از کیو گریخت.

چگونگی شکل گیری و حرکت مقاومت مدنی نشان می دهد در تمام مراحل از وقتی که جنبش مدنی می تواند اعتبار یک حکومت خشونت گرا را فروریزد تا زمانی که نیروهای حامی و تحت لوای آن ریزش می کنند در اصل تفاوت جدی بین داستان سرنگونی این حکومت های خشونت گرا وجود ندارد. سرنگونی ویکتور یاکونویچ در سال ۲۰۱۴ سقوط فرناند مارکوس در فیلیپین در ۱۹۸۶ ژنرال آگوستو پینوشه در شیلی در ۱۹۸۸ چچوسلواکیای کمونیست در ۱۹۸۹ سوهارتو در اندونزی در ۱۹۹۸ میلتشویک در سرستان در ۲۰۰۰ یا مبارک در مصر ۲۰۱۱ همه در این واقعیت مشترکند.

نظم و روانی مقاومت مدنی موفق در این رژیم ها متفاوت بود. اما نیروی شکل دهنده جنبش خشونت پرهیز در این کشورها و شیوه عمل آنها مشترک بود: ائتلاف سیاسی متحد ولی متنوع افزایش متداوم مشارکت نیروهای مردمی در تاکتیک های دسته جمعی خدشه وارد کردن به اعتبار حکومت روند سرخوردگی حکومت از فشارها و در نتیجه اتحاد بیشتر جنبش اشعاب نیروهای نظامی و دیگر رهبران از کادر حکومت و در برگیری این روند میان وفادارترین افراد حتی در آخرین لحظات در برخی تلاش های خشونت پرهیز ناموفق سه دسته خشونت موجب عقیم شدن جنبش شده است: جرقه زدن آتش خشونت توسط تحریکات احساسی برخی از گروهها خشونت های خیابانی توسط افراد خودسر رادیکال یا خشونت های طراحی شده توسط شاخه های رادیکالی که در پی ساختن داستانسرای های انقلابی به مرجعیت خود هستند. گروههای خشونت گرای نامنظم دو خطر عمده را ایجاد می کنند: خشونت در فضاهای عمومی مشارکت گسترده عمومی را کاهش می دهد و در نتیجه موجب تضعیف جنبش می شود و خشونتی که مدافعان رژیم را هدف می گیرد ناقض اشعاب این افراد از حکومت است. در این صورت کمتر جنبشی است که در برابر فشار و اختناق حکومت توفیقی یابد.

چنین جوانبی در اوکراین اتفاق نیفتاد چون ابعاد مردمی جنبشی که در میدان در نوامبر گذشته شکل گرفت - که نماینده اراده اصلی مردم اوکراین بود- به هیچ وجه قابل انکار یا فراموشی در برابر دیدگان جهان نیست. با در نظر گرفتن درجه بالای اعتبار و استحکام تاکتیک ها جنبش مردم اوکراین زیر نفوذ خشونت از میدان بدر نرفت تا جاییکه ماموریت های اصلی آن کاملا موفق ظاهر شدند: ماموریت اصلی جنبش مردمی اوکراین این بود که تا آنجا پیش رود که وفاداری مدافعان رژیم به اقتدار یاکونویچ و همچنین ظرفیت ادامه قدرت او کاملا زیر سوال رود

پلیس زیر نظر وزارت کشور: **berkut**

گروه مردمی خودجوش شامل فعالان حقوق بشر و کلا روزنامه نگاران و فعالان مدنی و دیگر شهروندان که در پاسخ به حمله **euromaidan sos**: نیروهای امنیتی و پلیس به تظاهرات مردم در ۲۹ و ۳۰ نوامبر ۲۰۱۳ در میدان استقلال کیو فعالیت خود را آغاز کردند

همه عکس ها مربوط به میدان کیو هستند

Ukraine: A Nonviolent Victory by Peter Ackerman, Maciej Bartkowski, Jack DuVall این مقاله ترجمه ای است از *

<http://www.opendemocracy.net/civilresistance/peter-ackerman-maciej-bartkowski-jack-duvall/ukraine-nonviolent-victory>

